

## ایران در فرهنگ جهان

خطابه جناب آقای علی اصغر حکمت

نخست از اولیای محترم فرهنگستان ایران سپاسگزارم که امروز این مجلس را برای استماع عرایض ناچیز این بنده فراهم فرموده اند و بمن امر کرده اند که در باره «ایران در فرهنگ جهان» سخنی چند عرضه بدارم. البته فرهنگستان عمان طور که اساسنامه آن دستور میدهد موظف است که در راه نشر فرهنگ ایران سعی جمیل مبذول دارد و در مسائل غامضه علم و دانش و رشته‌های مختلفه تاریخ ادب و زبان شناسی این کشور مطالعات نماید. بسا که آن مطالعات برای مردم دانش دوست ایران مندمد شود، و همچنین برای هوا خواهان فرهنگ ایران در کشورهای دیگر مفید رافع گردد.

بعضی تصور میکنند که وظیفه فرهنگستان فقط وضع و اختراع بعضی لغات و اصطلاحات است - این تصور مطابق واقع نیست، بلی فرهنگستان وقتی تمام نیرو و مقدرت علمی و ادبی خود را مصروف عمل «لغت سازی» مینمود و مجموعه‌ای از لغات فارسی که ظاهراً عدد آن بهزار نمیرسد تدوین کرد که اکثر آنها را جامعه ایران و فارسی زبانان بطبع سلیم خود پذیرفته اند، و چند لغتی معدود که مطابق سلیقه و ذوق اهل زبان نبوده است بحکم طبیعت متروک و مهجور گشته. شاید در آن تاریخ در این خدمت ادبی راه مبالغه و افراط را پیموده باشند، ولی از روی انصاف باید گفت که این مؤسسه سودمند که این بنده از خدمتگزاران قدیم آن هستم همچنان وظایف دیگر را نیز انجام داده است که غمض عین از آن نمیتوان کرد. از دوازده ماده که وظایف اساسی فرهنگستان است تنها چهار ماده بیش و کم مربوط بوضع لغات و اصطلاحات علمی و جغرافیائی و امثال آن میباشد و مابقی مربوط باموری است که انجام آن در عالم ادب خدمتی مأجور شمرده میشود.

اکنون که اولیای محترم فرهنگستان بتشکیل مجامع خطابه و سخن رانی و تألیف و طبع رسالات و کتب مفید و احیاء اناربرزرگان ادب کمر همت بسته‌اند، باید از این نیت خیر تشکر نمود. و ناگفته نماند که وضع لغات جدید که باعث اعتراض بعضی از دانشمندان واقع شده در نزد کسانی که بتاریخ تشکیل این دستگاه ادبی آگاه هستند برخلاف، موجب تمجید و تحسین می‌تواند باشند، زیرا اگر مساعی جمیله چندتن از اهل علم و ادب نمی‌بود که باعلاقه قلبی که بحفظ زبان باستانی خود داشته‌اند و زیر این سقف گرد آمده و بلطایف حیل و تدابیر حسنه نگذاشتند زبان شیرین فارسی دستخوش ترکتازی پیروان جاهل اسلوب «ترکیه» در تصفیه زبان قرار گیرد، هر اینه لغت فارسی بصورتی می‌افتاد که بیش از پیش موجب تأسف ضمیر و تکدر خاطر شاگردان مکتب فردوسی و سعدی میشد.

بحمدالله که آن خطر مرتفع شده، و اکنون نوبت آن رسیده است که فرهنگستان ایران عطف نظری بسایر وظائف ادبی خویشتن بنماید و بهمین مناسبت این سلسله سخنرانیهای ادبی و فرهنگی را تشکیل داده‌اند و این بنده افتخار ایراد یکی از آن جمله را بر عهده گرفته ام.



آقایان! کشوری که ما مردم را در دامان خود پرورش داده است تاریخی طولانی دارد که قسمت مکتوب آن نزدیک به ۲۵ قرن در دست ما و در معرض مطالعه ما میباشد. کسانی که از دیرباز بر فراز این خاک میزیسته‌اند در سیر ترقی علم و جریان تکامل دانش بشری سهمی بسزا و بهره کافی داشته‌اند.

روزی که اصل و ریشه میراث تمدن بشر در تمام شعب و فروع خود از علم و ادب و طبیعیات و ریاضیات و فلسفه و فنون ظریفه و دیگر آثار فکری در سراسر جهان شاخه‌های برومند بار آورده آن مقدار که ایرانیان در نشو و نمای آن همایون درخت کوشش و مجاهده کرده‌اند از دیگران بهیچ رو کمتر نیست و اینک مایه افتخار و سربلندی ما بازماندگان آن قوم است.

هر گاه فرهنگستان ایران تألیف کتاب مفیدی بنام «سهم ایران در میراث بشریت»

طرح کند و این چنین کتابی را بعالم تاریخ علم هدیه نماید، هر اینه از روی کمال دقت و با استناد باسناد ثابته و براهین مستحکم علمی و تاریخی مدلل میتوان داشت که خدمت ایرانیان بعالم بشریت تا چه درجه مفید و مؤثر بوده است.

علاوه بر خاصیت نژادی مردم ایران که بحدودت قریحه و عمق تفکر و ذوق لطیف و قوت منطق ممتاز هستند، وضعیت جغرافیائی ایران نیز در خدمت مردم ایران بعالم علم مدد فراوان کرده است؛ زیرا که عرصه فلات ایران که محل ارتباط و مکان تقاطع تمدن شرق و غرب است از یک طرف مدینت یونان و روم و از طرف دیگر تمدن چین و هند را در این سرزمین بایکدیگر آمیخته و در نتیجه این ارتباط و آمیزش، آثاری جاوید و فنا ناپذیر از بهترین و لطیف ترین محصولات فکر بشری در معرض وجود پدیدار گشته است. آن خاصیت و استعداد نژادی با این وضعیت مساعد جغرافیائی همواره مردمی را که در سراسر کشور ایران از ساحل «رود جیحون» و دامنه کوه «هندوکوش» گرفته تا سواحل «فرات» و «خلیج فارس» در طول مدت هزاران سال میزیسته اند بخدمات عظیم نمایان در عالم علم و فرهنگ موفق ساخته است. نه تنها در شهرهای سواد اعظم که در گوشه و کنار این خاک بوجود آمده منشاء فیوض و منبع معارف میشده بلکه از سرحدات آن کشور تجاوز کرده و بخاک همسایگان و بالاخره در سراسر عالم بشریت انتشار می یافته. هم امروز مشاهده میکنیم که بعضی کلمات و الفاظ فارسی از طریق یونان و روم و یا از راه عربستان و شمال آفریقا در قرون باستانی عبور کرده و بشبه جزیره «ایبری» سرایت نموده اند و در زبانهای اسپانیولی یا پرتغالی متداول شده؛ پس از آن همراه مهاجرین آن دو کشور عرض اقیانوس اطلس را پیموده و در امریکای جنوبی بسط و نشر یافته اند؛ و هم اکنون آن کلمات و الفاظ در میان سخنان مردم برزیل و پاناما یا در کتابها و مطبوعات کشور بلیوی و آرژانتین بوضوح دیده میشود.

همین امر بعینه در آثار نامحسوس علمی و مطالعات و تحقیقات و اختراعات و کشفیات در وادی فلسفه و نجوم و ریاضی و طب و معماری و هنر نیز صادق است که چگونه در سرزمین ایران نشأت گرفته و بطول مرور سنین و ایام از آسیای میانه بآمریکای

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

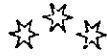
بعربی که از آن جمله است ترجمه پانچاناتارا (کلیله و دمنه)، ترجمه منطق ارسطو، ترجمه «هزار افسان» - صنعت کاغذسازی در سمرقند - ساختمان ابنیه و طاقها و پیل‌ها که معماری آن تا زمان حاضر مورد اعجاب بینندگان است، همه از آثار فرهنگ این عصر همایون می‌باشد.

اندرزها و امثال و حکمی که از پادشاهان و دانشمندان آن زمان بالسنه مختلفه ترجمه شده و هنوز باقی است - حکایت فصاحت و چامه سرائی بهرام گور، سرود سازان و موسیقی دانان خسرو پرویز، قانون گذاران زمان انوشیروان، بسط فرهنگ ایرانی در شمال خراسان، آثار صنعتی در مداین و آذربایجان و خراسان و فارس تا بلخ و بخارا و سمرقند، ادبیات و نقاشی های مانویان، کتاب خدای نامه، کتاب صور ملوک فرس، اختراع شطرنج و نرد، کارنامه اردشیر بابکان - همه اینها نمونه‌های چند است از آنچه ایرانیان عصر خجسته ساسانی بفرهنگ جهانی ارمغان آورده‌اند.

اندرز (آندریاد مارسپندان) قطعه بسیار زیبایی است که از لطافت روح و صفای فکر و بلندی فلسفه اخلاق ایرانیان آن عصر حکایت میکند. این قطعه را یکی از اساتید معظم و از اعضای عالی‌مقدار فرهنگستان (که اکنون از این جمع غایب است و هر کجا هست خداوند او را بسلامت بدارد بنظم آورده است) چون اشعاری بسیار فصیح و نغز است خواندن آن موجب ترویج خاطر آقاییان میشود - بیاد آن استاد قرائت مینمایم:

« بخواندم ز گفتار دانای راد	که اندرز فرزند را کرد یاد
نکو نام « پاد آذر » شاد کام	که بودش پدر « ماز اسپند » نام
بفرمود « زرتشت » نامش پدر	مگر خوی زرتشت گیرد پسر
چو هنگام فرهنگش آمد فراز	بدینگونه فرهنگ او کرد ساز
که جان پدر گرفته اندیش باش	بی آزار و بهدین و خوش کیش باش
چو باید شدن زین جهان ای پسر	نگر تا به مینو چه بایسته تر
نباشد کس اندر جهان دیر پای	همان مینوی کرده ماند بجای
مشوتند و گستاخ و نا استوار	به پیش خدا و خداوند کار

هر آن چیز کان زی تو نبود نکو      بدیگر کسانش مکن آرزو  
بیت اخیر همان «دستور زرین» اخلاقی است که در کتب سماوی و فلسفی آمده است.



پس از طلوع کوکب اسلام و پیدایش تمدن اسلامی در میان مللی که در تحت لوای «جامعه اسلامیّت» از هند تا اندلس زندگانی میکردند تا قرن هفتم هجری (سیزدهم مسیحی) که آغاز مهاجرات تاتارها و مغولها است - عناصر ایرانی در خدمت بمعارف جهانی و همچنین معارف اسلامی سهم او فررا داشته اند و آثار فراوان و خدمات بیشمار - ایشان را در صف اول مسلمانان خادم علم و دانش قرار میدهد.

نقل کتب علم و فلسفه از پهلوی عبری آثار بیشمار در علوم نجوم و طب و تاریخ و روایات همه محصول تمدن و فرهنگ قدیم ایرانیان قبل از اسلام را در این تمدن نوین اسلامی انتشار داد. در میان دانشمندان اسلام اولین مترجمین مانند ابن المقفع، و سر آغاز محققین مانند ابوالعباس ایرانشهری و نخستین منجمین ابن نوبخت و ابومعشر و پیشوای زبان شناسان سیوییه و کسائی، و استاد طباعلی بن ربن طبری، و امام فقها ابوحنیفه و سرخیل مورخین محمد بن جریر طبری، و سرآمد نبات شناسان ابوحنیفه دینوری و از نوابغ شعرا بشار بن برد و ابو نواس، و سرآمد جغرافیون جیهانی و ابن خرداد به و هزاران دانشمند گمنام دیگر زیب و زینت کتاب تاریخ مدنیت نوین اسلام میباشند.

علامه ابن خلدون دانشمند تونس در مقدمه معروف خود فصلی را درباره خدمات ایرانیان بعلوم اسلامی اختصاص و در بیان خود بانظری دقیق و خردمند بین این حقیقت را توضیح و داد اضاف داده است.

در آنجا میگوید:

من الغریب الواقع أنّ حملة العلم فی الملة الاسلامیه أكثرهم العجم، لا من العلوم الشرعیة ولا من العلوم العقلیة الا فی القلیل النادر، وان كان منهم العربی فی نسبه فهو عجمی فی لغته و مرباه و مشیخته، مع أنّ الملة عربیة و صاحب شریعتها عربی.....  
و ان العرب ابعده الناس عنها فصارت العلوم لذلك حضریة، و بعد عنها العرب

وعن سوقها والحضر لذلك العهد هم العجم أو من فى معناهم من الموالى واهل الحواضر الذين هم يومئذ تبع للعجم فى الحضارة و احوالها من الصنایع والحرف، لانهم اقوم على ذلك للحضارة الراسخة فيهم منذ دولة الفرس، فكان صاحب صناعة النحو سيبويه والفارسى من بعده والزجاج من بعدهما، وكلهم عجم فى انسابهم. وانما ربوا فى اللسان العربى فاكتسبوه بالمربى و مخالطة العرب و صيروه قوايننا و فناً لمن بعدهم. و كذا حملة الحديث الذين حفظوه عن اهل الاسلام اكثر هم عجم او مستعجمون باللغة والمربى. و كان علماء اصول الفقه كلهم عجماً كما يعرف، و كذا حملة علم الكلام و كذا اكثر المفسرين. ولم يقم بحفظ العلم وتدوينه إلا الاعاجم و ظهر مصداق قوله صلى الله عليه وسلم « لوتعلق العلم باكناف السماء لنا له قوم من اهل فارس ».



از قرن سیزدهم تا اوایل قرن نوزدهم میلادی این چراغ ازلی و این شعله جاویدی گرچه بر اثر هجوم و حشمتناك تاتاریان زمانى چند ضعيف و کم نور گردید ولی با زمانند آفتابى بلند نور افشانی آغاز میکند.

آرى چند قرنى کشور ما پی سپر مهاجمين مغول گردید، شهرها ویران، خانمانها پریشان، کتابخانهها تاراج، دانشمندان بانواع آلام دچار شدند. روزگارى بازار علم و ادب و فلسفه و دانش کساد گشت. سمرقند و بخارا و نیشابور وری و هرات و مرو و اصفهان و شیراز و بسیار بلاد دیگر که همه از دیر باز مرکز علم و ادب بودند پی سپر سم ستور و بازیچه نوك شمشیر گشتند. هر چند تمدن صفوی چند زمانى از نو آبی بآن گلزار سوخته باز آورد ولی آن رونق و رواج دیرین در آن بازار تجدید نگشت. جنگ های سیاسى و کشمکشهای داخلی و خارجی، زد و خورد های مردم ایران با همسایگان خود، مجالى نمیداد که دیگر بار بمیراث تمدن بشرى صفحه نوین بیفزایند.

هر چند هرات و اصفهان و تبریز آبادی یافت، و تهران جانشینری گردید، ولی پس از جنگهای نادر شاه افشار و زد و خورد های عباس میرزای ولیعهد با همسایگان حال سستی و رخوتی در مردم ایران ایجاد شد، و ظلمات جهل و بیخبرى بر سراسر جایگاه



یزدان که سرچشمه انوار آسمانی بود مسلط گردید .  
در همین اوان بود که اروپا بعد از ادوار قرون وسطی وارد عصر جدید در تاریخ  
خود شد و سرزمین علم و ادب و میدانگاه کشفیات و اختراعات گشت .

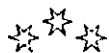


قرن نوزدهم سپری شد در حالی که ایران مراحل تحول را طی میکرد و از جامه  
تمدن قدیم آسیائی رفته رفته عاری شده لباسی از تمدن جدید فرنگستان بر تن  
میآراست . در حالتی که علم و دانش صورتی جدید در پرتو اختراعات و اکتشافات عصر  
حاضر بخود گرفته بود، لازم میبود که هوش و قریحه مردم باستانی ایران خویشان را  
با مکتب تازه و فرهنگ نوین سازگار نماید .

میتوان گفت که از اواخر قرن هیجدهم تا اوایل قرن بیستم مسیحی بیش از  
۱۵۰ سال سپری شد تا آنکه فرزندان ایران بتوانند در این « کنسرت » جدید که از آن  
« بتمدن اروپا » تعبیر میکنند بنوبت خود نغمه کهن را بنوازند. این يك قرن و نیم  
دوره دانش آموزی اوست . در این يك قرن و نیم است که ایران تمام مظاهر مدنی و  
روشهای اجتماعی اروپا را از رژیم حکومت گرفته تا سبک تعلیم و تربیت و فرهنگ  
اقتباس و اتخاذ نمود .

نسل جدید ایران بسیره و خوی نیای گانی خویش - همانطور که پدران ایشان  
در مدارس جندی شاپور و اسکندریه و روم و بغداد تا هندوچین همه جا دنبال کسب علم  
میرفتند - در این نوبت نیز زوایای دانشگاههای مهم دنیای جدید را از پاریس و لندن و  
برلین و نیویورک پی سپر گامهای همت خود نمودند .

اگر بخواهیم تاریخ شرکت و معاضدت ایرانیان را در انواع شعب علوم و فنون  
جدید شرح دهیم داستانی بس طولانی - و از حوصله مکان و مقام خارج است . همان بهتر  
که از همه ظواهر نوین بذکر يك نمونه و مثل اکتفا کنیم . و آن راجع است به  
« همکاری فکری و فرهنگی . La coopération Intellectuelle »



از اواخر قرن هفدهم بواسطه ارتباط ملل اروپا بیسکدیگر - یعنی مللی که

کم و بیش دارای يك ديانت و صاحب يك ادب و فرهنگ و واجد يك طرز فکر و متولد در يك مدنيت بودند بر آن سر شدند که در مرحله دانش آموزی و در میدان معارف و فرهنگ عمومی با اسلوبی منظم و سیستم جدید - چنانکه عادت ایشان است - بایکدیگر همکاری و توحید مساعی نمایند. هر چند چنانکه میدانیم اقلیم اروپا در طول قرون متمادی همیشه میدانگاه جنگهای خونین و صحنه زد و خوردها و کشمکشهای هولناکی بوده که فגיע تر از آن تاریخ بشریت نشان نداده است، ولی در این اواخر - پس از جنگهای قرن هیجدهم - فکر موافقت و معاضدت بین المللی بطریقی مؤثر تر و اسلوبی وسیع تر بر ضمیر پیشوایان فکری آن ملل منقوش و مرسم میگردد - در کنگره وین در سال ۱۸۱۴ که در آن تمام نمایندگان کشورهای اروپائی شرکت جستند جرثومه نخستین «همکاری بین المللی» منعقد گردید، و این فکر در طول مدت قرن نوزدهم پیوسته رشد و نما حاصل مینمود؛ تا آنکه در کنفرانسهای لاهه که از ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۶ منعقد میشد قواعد بین المللی برای جنگ وضع و دیوان دائمی محکمه بین المللی را در شهر لاهه طرح ریزی نمودند.

پس از اولین جنگ جهانی ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ که میلیونها نفوس بشری طعمه هلاک گردید، خیال ایجاد همکاری فکری و معاضدت فرهنگی مابین ملل جهان در مخیله بزرگان و علماء عالم قوت گرفت. این کشتار هولناک با مصائب و آلامی که بدنبال خود داشت دانشمندان را تحریک نمود که از راه علم و معرفت بطرف آرزوی دیرین خویش یعنی ایجاد صلح دائمی بشتابند. از این رو «جامعه ملل» بوجود آمد. ولی جامعه ملل که دستگاهی سیاسی بود بوجود سازمانی که بتواند از طریق معارف و فرهنگ با او کمک و معاضدت نماید نیازمند گردید. بزرگان علم و پیشوایان سیاست هر دو مدتها ب فکر تأسیس این چنین سازمان فرهنگی بودند تا آنکه شاید از طریق تعلیم و تربیت بذریع صلح طلبی و انسانیت دوستی را در روح ابناء بشر نشو و نما دهند.

ولی باید گفت که فکر تأسیس این چنین سازمانی اندیشه تازه نبود که پس از جنگ اول جهانی بظهور رسیده باشد، بلکه هم از اوایل قرن نوزدهم دانشمندان در این اندیشه بوده اند - چنانکه پس از انقلاب فرانسه در سال ۱۸۱۹ دانشمند فرانسوی

مارك اتوان ژولین Marc Antoine Jullien در رساله ای که انتشار داده تشکیل کمیسیون تربیتی و نشر مجله‌ای بالسنه مختلف، و تأسیس بنگاهی برای تربیت آموزگار و دبیر، و تحقیقات بین‌المللی در باب علوم تربیتی پیشنهاد نمود. چنانکه او را پیشرو فن نوین «تعلیم و تربیت تطبیقی» Education Comparée می‌شمارند. و پس از او در طول قرن نوزدهم دانشمندان دیگر همواره نظریه او را پیروی مینمودند؛ تا آنکه در اوایل قرن بیستم این آرزو از عالم خیال بعرضه عمل درآمد - مالکون بوئر Molken Boer هلندی در سال ۱۸۸۵ طرحی برای تشکیل شورای دائم بین‌المللی بمنظور امور تربیتی پیشنهاد کرد و معتقد بود که بوسیله دبستانها باید میان ملل حسن تفاهم ایجاد و از خونریزی جلوگیری نمود. پس از او دیگر دانشمندان در هلند و آلمان و فرانسه و سایر بلاد در این زمینه دائماً مشغول مطالعه و انتشارات بودند. تا بالاخره در سال ۱۹۱۴ دولت هلند از هیجده کشور دعوت نمود که در کنفرانس بین‌المللی تربیت و تعلیم در شهر لاهه شرکت کنند، ولی ناگهان قبل از تشکیل کنفرانس، جنگ نخستین شروع شد و این اقدام خیر صورت وقوع نیافت.

پس از جنگ عمومی چنانکه گفتیم «جامعه ملل» بظهور رسید و آن فکر دیرین را تجدید نمود. در ماه دسامبر ۱۹۲۰ یعنی ۲۷ سال قبل جامعه ملل در جلسه عمومی خود امر تربیت را جزو برنامه اعمال خود قرارداد؛ و در اولین مجمع عمومی در همان سال یکی از دانشمندان و سیاسیون بزرگ فرانسه موسیو لئون بورژوا Léon Bourgeois پیشنهاد کمیسیونی را بمنظور تحقیق در مسائل مربوط به تعاون فکری بین‌المللی تقدیم جمع کرد و در همان جلسه تصویب شد، و بلافاصله دستگاه بین‌المللی تعاون فکری بوجود آمد. تشکیلات این دستگاه در جلسات عدیده مجمع ملل در سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۳۱ مورد تصویب مجمع عمومی assemblée générale واقع شد، که یکی از نه قسمت کارهای فنی جامعه ملل گشت - و آن عبارت بود از همکاری ملل در امور علمی و فرهنگی برای ایجاد حسن تفاهم و اتحاد ملل عالم.

در سال ۱۹۳۶ مطابق سال ۱۳۱۵ دولت ایران بوسیله وزارت معارف رسماً عضویت مؤسسه بین‌المللی تعاون فکری را قبول نمود و آن سال در تاریخ خدمات

علمی بین‌المللی مملکت ایران اولین بار است که این کشور در این مرحله که متناسب با طبیعت زمان بود قدم نهاد.

گرچه شرکت ایران در مجامع بین‌المللی و اخلاقی قبل از این تاریخ در موارد دیگر نیز واقع شده بود مثلاً شرکت ایران در تشکیلات بین‌المللی صلیب احمر نخست در حدود ۱۸۷۰ م بظهور رسید، سپس در سال ۱۹۲۳ م بهمت بلندجناب آقای دکتر امیراعلم کارمند پیوسته و نایب رئیس فرهنگستان انجام یافت، و همچنین شرکت ایران در مجمع بین‌المللی آموزش و پرورش در سال ۱۹۳۱ در شهر ژنو - که این بنده گوینده با اتفاق آقای جمال‌اخوی کارمند فرهنگستان از طرف معارف ایران سمت نمایندگی داشتیم - واقع شد، که هنوز هم در ادوار معین جلسات این مجمع بین‌المللی در همان شهر با حضور نماینده ایران تشکیل میشود.



باری سازمان تعاون فکری L'Organisme de La Coopération Intellectuelle در ظل حمایت جامعه ملل در سال ۱۹۲۱ بظهور رسید و دارا لانشاء آن در شهر ژنو تشکیل شد. پس از یک دوره تکامل، دولت فرانسه که بحکم سنت دیرین خود همیشه در راه بخدمت بعلم پیشقدم است، مؤسسه مخصوص همکاری بین‌المللی را در شهر پاریس بخرج خود تأسیس نمود. و این مؤسسه مفید تا سال ۱۹۴۵ یعنی سه سال قبل وجود داشت و خدمات قابل وصف و ستایش در این زمینه بعالم بشریت انجام داد، و زمینه حسن تفاهم اولاد و اعقاب مردم جهان را از طریق وحدت برنامه تعلیم و تربیت و از راه نشر علم و معرفت طرح ریزی میکرد.

چنانکه گفتیم در سال ۱۹۳۶ که این بنده افتخار خدمت بمعارف را داشتم عضویت ایران در آن مؤسسه اعلام گردید و کمیته محلی یا ملی ایران در همان زمان تشکیل شد ولی متأسفانه سالی چند بر نیامد که آتش سوزان دومین جنگ جهانی شعله ور گشت و آن مؤسسه هم مانند صدها بنگاههای علمی و فرهنگی عالم دچار وقفه و تعطیل شد.

حملات وحشیانه جنگجویان در شرق و غرب اروپا آغاز گردید ممالک متمدن و

صلح طلب بنوبت خود یکی بعد از دیگری پی سپر مهاجمین برحم واقع گشت، دولتهای ممالک مغلوبه هر يك در برابر دشمن پایتخت های کشور خود را رها کرده در شهر لندن جای گزین میشدند. در آن موقع وزرای معارف چندین مملکت مغلوب مانند: بلژیک - چکوسلاوی - یونان - هلند - لوکزامبورگ - نروژ - پلونی - یوگوسلاوی - فرانسه، همه در آنجا گرد آمدند. وزیر معارف دولت انگلستان آقای بتلر Buttler در ماه اکتوبر ۱۹۴۲ موقع را غنیمت شمرده از آنها دعوت نمود که مرتباً مجالس کنفرانس تشکیل داده قضایا و مشکلات معارفی را از نقطه نظر ایجاد صلح پایدار مابین خود مشورت نمایند و نقشه معارفی مشترکی طرح کنند که پس از ختم جنگ و حصول فیروزی نهائی در کشورهای خود بموقع اجرا گذارند.

همینکه جنگ بفتح دول دموکرات جهان خاتمه پذیرفت هم از نخستین روز در منشور ملل متحد درباره همکاری معارفی بین المللی از نقطه نظر حفظ صلح جهانی و ایجاد سعادت آتیه بشر تا کید خاصی بعمل آمده و در ضمن بند ۳ از ماده يك آن منشور مصوبه ۱۳۲۴ شمسی مؤسسه مخصوصی بنام «شورای اقتصادی» که یکی از شعب فرعیه آن برای امر معارف و همکاری فرهنگی است در نظر گرفته شد. از این رو کنفرانس وزرای معارف در لندن تقویت حاصل نمود و در ماه اوت ۱۹۴۵ یعنی چند هفته بعد از امضای منشور سانفرانسیسکو وزرای معارف ملل متحد موفق شدند که طرح اساسنامه‌ای پیشنهاد نمایند تا بر طبق آن يك سازمان دائمی و مستحکم برای امر تعلیم و تربیت فرهنگ بین المللی تأسیس شود. این پیشنهاد در همان تاریخ یعنی در مرداد ۱۳۲۴ شمسی بتمام ملل متحد که یکی از آن جمله ایران بود تقدیم گردید. و از اولیای معارف آن دول دعوت بعمل آمد که برای بحث و مطالعه در آن اساسنامه در پائیز همان سال اجتماع بزرگتری تشکیل دهند؛ و این موضوع اساسی و مهم را مورد مباحثه و تحقیق قرار دهند و معلوم نمایند که چه وسیله ای ممکن است اتخاذ شود که مابین ملل عالم همیشه حسن تفاهم دائمی موجود باشد؛ و علم و ادب و هنر را بطور عام در دسترس تمام اهل عالم گذارند. و چگونه باید دول عالم با یکدیگر همکاری نمایند تا آنکه سکونت و استقرار اقتصادی و امنیت سیاسی و آزادی حقیقی

نصیب مردم جهان شود .

این دعوت از طرف دودولت انگلیس و فرانسه متفقا بعمل آمد و تقاضا کردند که نمایندگان خود را در اول نوامبر بلندن اعزام دارند تا در کنفرانس عمومی طرح پیشنهادی وزرای معارف مورد مذاکره و مطالعه قرار گیرد .

بعلاوه دولت فرانسه هم طرح دیگری بهمان مضامین تهیه کرده بود که هر دو پیشنهاد زمینه مباحثات آئیه را تشکیل میداد .

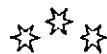
در ایران در همان تاریخ، وقتی که مراتب بعرض پدشگاه مبارك اعلي حضرت همایون شاهنشاهی رسید در این باب اظهار کمال علاقه را فرموده و امر مبارك صادر گردید که دولت ایران نیز در این کار سودمند بین المللی و خدمت معارفی بحکم وظیفه شرکت نماید مرحوم غلامحسین رهنما که از خدمتگزاران باخرد و خوش نیت معارف ایران بود در آنوقت تصدی خدمت وزارت فرهنگ را بعهده داشت . دعوت دولتی فرانسه و انگلیس را پذیرفته و هیئتی از خدمتگزاران فرهنگ برای مشارکت در این انجمن بزرگ فرهنگی بلندن اعزام داشت . این کنفرانس از اول نوامبر ۱۹۴۵ تشکیل و قریب ۲۰ روز بطول انجامید و همه روزه صبح و عصر دائر بود . در این کنفرانس ۴۴ دولت شرکت نمودند تمام دول عالم که منشور سانفرانسیسکو را امضاء کرده بودند باستثنای يك دولت ( بدون آنکه آنرا رد نماید ) نمایندگان از نخبه رجال فرهنگی خود اعزام داشتند ، همه دول اسلامی که جزء ملل متحده بودند در آنجا نماینده داشتند . عدد اعضای کنفرانس ۲۵۴ تن ، بعلاوه ۱۳ مؤسسه و بنگاه بین المللی جهانی نیز در آنجا نمایندگان بعنوان عضو ناظر فرستاده بودند ، ریاست کنفرانس بامر حوم میس ولکینسون Ellen Wil kinson وزیر معارف انگلیس و نایب رئیس آن موسیو لئون بلوم M. Léon Blum دانشمند سیاسی فرانسوی بود .

بعد از جلسات عدیده تشکیل کمیسیونها و شعب ، طرح پیشنهادی وزرای معارف و طرح دولت فرانسه ماده بماده مورد شور و گفتگو قرار گرفت ، و بالاخره اساسنامه ای برای تشکیل يك سازمان دائمی علمی و فرهنگی و تربیتی نوشته شد . و آن سازمان موسوم به « انسکو » گردید . U.N.E.S. C.O.

وقتی که در ایران « انسکو » میگویند بعضی تصور میکنند مقصود ملرك يك كارخانه فيلم عكاسی است که اسمی شبیه بآن دارد، بعضی دیگر تصور میکنند انسکو نام یکی از رجال کشور رومانی است. و حال آنکه این اسم از حروف مقطعه او این چند کلمه اتخاذ شده، و بعد از آن معمول این عصر يك کلمه از آن ساخته اند که بانگلیسی «انسکو» استخراج میشود:

United Nations Educational, Scientific and Cultural Organisation .

در این کنفرانس عهدنامه‌ای طرح شد که پایه سازمان انسکو را پیش بینی میکرد و نمایندگان ۴۴ دولت آنرا امضاء نمودند و بلافاصله کمیسیون مقدماتی از نمایندگان همان دول تشکیل شد که تشکیلات لازم برای آن مؤسسه نو بنیاد تهیه به بیند. این عهدنامه مشتمل است بر ۱۵ ماده، و خلاصه‌ای است از وظایف و مقاصد سازمان و تمام دستگاه اداری آن و تشکیلات فرعی آن مانند دارالانشاء و شورای اجرائیه و جمع عمومی و بودجه و کمیته‌های محلی در ممالک مختلفه و غیره و غیره. نمایندگان ایران نیز بموجب اختیاری که داشت این عهدنامه را امضاء نمود و در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۵ مطابق ماه می ۱۹۴۶ بموجب يك فقره تصویب نامه دولت ایران نیز آن را پذیرفته است، و برای آنکه قانوناً از تصویب مقامات مقننه نیز بگذرد طرح آن از طرف آقای دکتر صدیق وزیر معارف وقت و نایب رئیس فرهنگستان ایران در تاریخ مهرماه گذشته تقدیم مجلس شورای ملی گردید. امیدوار است که در اثر توجه آقای دکتر سیاسی وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه و عنایت نمایندگان معارف خواه مجلس بزودی مورد تصویب واقع شود و ایران نیز در این تشکیلات فرهنگی بین‌المللی در ردیف سایر ممالک قرار گیرد. بی‌موقع نیست که گفته شود تقریباً تمام ۴۴ دولت امضاء کنندگان عهدنامه مذکور متن اساسنامه را بتصویب هیئت‌های مقننه خود رسانیده‌اند.



بر طبق تصمیم کنفرانس لندن دبیرخانه دائمی انسکو بطور ثابت در پاریس استقرار یافته است، و یکی از علمای معروف جهان موسوم به پرفسور ژولین عکسلی

Prof. J. Huxley که از مشاهیر فرهنگیان انگلیس و از بزرگان اساتید عالم علوم طبیعی بسمت ریاست دبیرخانه انتخاب شده است.

بموجب اساسنامه سالی یکمرتبه باید مجمع عمومی از تمام نمایندگان ملل جهان تشکیل شود و محل آن همه ساله تغییر مییابد. در ماه دسامبر سال گذشته ۱۹۲۶ اولین کنفرانس عمومی در شهر پاریس تشکیل شد و با موافقت شایان خاتمه پذیرفت. در این کنفرانس مسائل بسیار مهم از غوامض علم و ادب و فرهنگ - از قبیل اشاعه تعلیمات عمومی مجانی توسعه موزه‌ها و کتابخانه‌ها انتشار صنایع ظریفه توسعه تعلیمات بوسیله فیلم و دیگر مسائل مشکله فلسفی و علمی و اجتماعی محل بحث و مذاکره و مشاوره قرار گرفت. در این جلسه بودجه سالیانه انسکورابه شش میلیون ونهصد و پنجاه هزار دلار تصویب نمودند.

یکی از مسائلی که از ابتداء مورد توجه انسکو بوده موضوع کمک بمعارف مللی است که در هنگام جنگ عمومی یا بکل کشورشان خراب و ویران شده یا خسارت و زیان دیده، و تصمیم گرفته‌اند که بموجب صورتها و آماري که از آن دول تقدیم میشود بهر يك از آنها بقدر در تیه یاری و مساعدت مادی بشود.

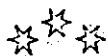
هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس لندن بحکم وظیفه سعی کافی مبذول داشت که معارف ایران نیز در عداد ممالک آسیب دیده قرار گیرد و صورت جامعی از احتیاجات مغارفی خود از قبیل مقدار کافی کاغذ و کتاب و اثاثیه مدارس و لابراتوارها و فیلم های علمی بدفترانسکو تقدیم داشت این پیشنهاد مورد توجه قرار گرفت و امید واری حاصل است که بعد از آنکه دولت ایران اساسنامه انسکو را بتصویب مجلس برساند از آن اعانه بهره‌مند گردد.

صورت جامع و گزارش مبسوطی از جریانات انسکو هم در وزارت فرهنگ و هم در دبیرخانه کمیسیون ملی انسکو ثبت است، و هر کس بخواهد اطلاع جامعی از آن حاصل نماید ممکن است بآنجا مراجعه نمایند. بی موقع نیست عرض کنم که محل ثابت دبیرخانه کمیسیون ملی انسکو در همین عمارت فرهنگستان میباشد.

سال گذشته یعنی اکتبر ۱۹۴۷ کنفرانس عمومی انسکو در شهر مکزیك



تشکیل شد و قرار است که سومین جلسه مجمع عمومی در سال آینده بر حسب دعوت دولت لبنان در بیروت منعقد شود.



برای آنکه حضار محترم کاملاً بیچگونگی انسکوونیت مؤسسين آن پی ببرند بی موقع نیست شرحی را که در مقدمه عهدنامه آن نوشته شده و با مضای همه ملل عضو رسیده است در اینجا بخوانم، تا آنکه حقیقتی از مرام مقصد انسکو و آینده در درخشانی که برای آن در نظر متفکرین جهان مرتسم است بخوبی در ذهن آقایان روشن شود:

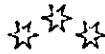
«دولتهای کشورهای عاقد این پیمان بنام ملتهای خود اعلام میدارند که چون جنگها در ذهن مردم سرچشمه میگیرد دفاع از صلح نیز باید در ذهن مردم تهیه شود و عدم آشنائی متقابل ملل همواره در جریان تاریخ مبدأ سوء ظن و بی اعتمادی میان ملل بوده و اختلافات ناشی از آن غالباً منجر بـجنگ شده.

«و چون جنگ بزرگ و مهیبی که تازه پایان یافته است بر اثر انکار اصول مساوات و حیثیت و احترام شخصیت انسانی، و اراده تبدیل آن اصول بعقیده عدم تساوی نژادها و مردم با استفاده باجهل و اوهام ممکن گشته، و حیثیت انسان مقتضی نشر فرهنگ و تربیت عمومی برای عدالت و آزادی و صلح است - تمام ملل و وظائف مقدسی دارند که باید آنها را با روح معاضدت انجام دهند.

«و از طرفی صلحی که تنها مبنی بر قرارداد های اقتصادی و سیاسی دولتها باشد نمیتواند قبول و رضای دائم و صادق عموم ملل را فراهم آورد، بنابراین صلح منظور باید بر پایه تعاون فکری و اخلاقی بشری قرار گیرد.

به این علل

«کشورهائی که این اساسنامه را امضا کرده اند و مضمند که برای عموم دسترس کامل و مساوی بتربیت و جستجوی آزادانه حقیقت و مبادله آزاد افکار و معارف را تأمین کنند تصمیم بتوسعه و تکثیر مناسبات میان ملل گرفته اند، که تاملتها یکدیگر را بشناسند، و از عادات یکدیگر معرفتی دقیقتر و حقیقتی تر حاصل نمایند.»



در اینجاسخن ما درباره «انسکو» خاتمه پذیرفت. اکنون لازم است از مساعی دولت عظیم دیگری در زمینه موضوع مورد بحث - یعنی (روابط فرهنگی بین المللی) چند کلمه عرض نمایم و خاطر نشان کنم که دولت جواهر شوروی که اکنون مرکز و کانون يك سیاست بزرگی است که میلیونها نفوس بشری پیرو آنست در این میدان از دیگران عقب نبوده بلکه بر بسیاری از ممالک اروپا و امریکا سبقت گرفته است.

بعضی تصور میکنند که عملیات و مجاهدات عظیم ملل جواهر شوروی منحصر بامور سیاسی است، و در این کشورها کمتر فعالیت فرهنگی بعمل میآید. هر کس در این عقیده باشد در اشتباه عظیم است. همسایه بزرگ ما که از ابتداء قرن بیستم صفحه تازه‌ای در کتاب بزرگ تاریخ تمدن بشری گشوده است، موضوع روابط فکری بین المللی و همکاری عقلی و علمی را بر حسب وصایای پیشوایان جلیل خود مانند لنین و استالین - محترم می‌شمارد، و در راه این نیت کوشش بسیار مینماید و مبالغه‌گزاران خرج میکند.

در میان فرهنگستانهای عالم یکی از بزرگترین و معروفترین فرهنگستان علوم شوروی است که جشن دویستمین سال تأسیس آن در ۱۹۴۶ با حضور نمایندگان تمام دول عالم در مسکو انعقاد یافت. این آکادمی از بزرگترین کانونهای علم و دانش بشریت است که از آنجا پرتو انوار دانش و اشعه فروغ معرفت باطراف جهان میتابد.

انجمن‌های روابط فرهنگی شوروی با سایر ملل عالم در تمام شهرهای بزرگ جهان مانند پاریس و لندن و واشینگتن دائر شده، و عدد آنها روز بروز رو با افزایش است. در شش سال اخیر این انجمنها بر روی اسلوب و نظام محکمی تأسیس شدند و در مسائل علمی و ادبی و تاریخی و جغرافیائی و نژاد شناسی و باستان شناسی و هنرهای زیبا و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی و طب و مهندسی و حقوق با دانشمندان دیگر ممالک مشترکاً همکاری مینمایند.

تأسیس «انجمنهای جوانان شوروی» از ابتکارات نوین آن دولت است که در خارج از کشور خود میلیونها نفر دوستان تحصیل نموده‌اند و با متجاوز از یکصد

و پنجاه سازمان جوانان در چهار مملکت آمریکا و اروپا ارتباط برقرار کرده‌اند. همچنین « کمیته زنان و بانوان شوروی » با ۱۳۶ سازمان مترقی زنان در ۴۴ کشور جهان رابطه مستقیم دارند.

علما و فرهنگیان ممالک دموکراسی دائماً اظهار تمایل مینمایند که علاوه بر روابط سیاسی با کارکنان علم و فرهنگ در جاهای شوروی در روی مسائل علمی و فرهنگی ایجاد رابطه کنند.

مثلاً در فرانسه دانشمندانی مانند لاتران - ژولیو - کوری - مارسل و دیگران و در انگلستان علمای عالی‌مقام مانند گولداین - برنال - رولف و غیره بطرف‌داری از ترقی و تکامل علمی جاهای شوروی برخاسته‌اند.

در آمریکا ژوزف دوپس که از نویسندگان معروف و ارجمند است و سابقاً سفیر کبیر آمریکا در روسیه بود در کتابی که بنام « مأموریت مسکو » نوشته عقیده ایجاد روابط علمی را با آن مملکت تشویق مینماید، بعضی از علما در آمریکا مجله‌ای تأسیس کرده‌اند موسوم به « روسیه سویتیک امروزی » کسانی که در این مجله تحریر مقالات مینمایند از دانشمندان طراز اولند مانند البرت انیشتین صاحب تئوری معروف.

یکی از جمله کسانی که در این موضوع در آمریکا فعالیت بسیار میکند آقای مکلیش شاعر و متفکر و فرهنگی معروف است که شهرت جهانی دارد و ریاست هیئت نمایندگان آمریکا را در نوامبر ۱۹۴۵ در کنفرانس لندن بعهده داشت و این بنده خود نعمت ملاقات او را درک کردم، وی میگوید « استقرار روابط فرهنگی و علمی با جاهای شوروی بمنزله شالوده محکمی برای استقرار صلح پایدار در اعقاب آتیه انسانی است. »

دولت جاهای شوروی در غالب کنفرانسهای فرهنگی و مجامع علمی بین‌المللی با اعزام نمایندگان دانشمندان شرکت میکند، از آن جمله در مارس ماه سال گذشته نمایندگان ۷ جمهوری شوروی در کنفرانس ممالک آسیائی در دهلی حاضر شدند و در کارهای کنفرانس صمیمانه توجید مساعی نمودند، و از طرف دولت هندوستان با نهایت

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



امیدواری ما تنها بطبقه دانشمند مملکت است که در این شب ظلمانی کوکب  
 فروزان علم و دانش را نصب العین خود قرار داده و کشور را بصبح نورانی سعادت رهبری  
 کنند؛ و همان گونه که در ادوار تاریخ گذشته این مملکت جوانان دانش پژوه و پیران  
 دانشمند ایران را نجات داده اند در این ایام نیز که اوقات ناگواری از جهل و ضلالت  
 میگذرانیم؛ بار دیگر پیای مردی خود و دانش بر مشکلات غلبه نمائیم و دیگر باریق  
 سعادت و نیک بختی را که محققا جز پرچم علم و دانش چیز دیگر نیست بر فراز این  
 کشور که مهد علم و فرهنگ بوده است نصب کنیم.

گویا مرحوم ادیب همین معانی را در نظر داشته که خطاب بزاده فارس این  
 ایات را گفته است. کلمات آنمرد بزرگ در پایان مقال روح پزمرده و افسرده مارا  
 لذتی میبخشد. و مساعی جمیله پدران مارا دروادی علم و ادب دگر بار بنظر مامیآورد

«همی بود یکچند بیژن اسیر	نه کس پایمرد و نه کس دستگیر،
بفرزانه فرزند دستان سام	زچه اندر آمد به ناز و خرام.
کنون ملک ایران چو بیژن شده	بچاه سیاهش نشیمن شده!
تو فرزانه فرزند آسیاوشی	قباد دلیری فریدون وشی!
ترا همچو رستم بسی بنده اند	بنام همایون تو زنده اند،
رهان بیژنم را تو از کید زن	تو این بد گهر زن بشمشیر زن.
تو ای ابر نیسان صدف بار شو	صدف از هوا گو گهر بار شو!
گهر بار بر فرق شیران فارس!	هزار آقرین بر دلیران فارس!
توئی یادگار از جم و اردشیر،	همیدون بزی شادمان سال دیر!
توئی یادگار از نیاکان پاک،	توئی پاسبان هم بر این مرز و خاک،
کف موسوی خاک بیضات باد!	دم عیسوی باد صحرات باد!

پایان